

# علم أصول الفقه

۱۸

۹۱-۹-۱۴ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## زبان شارع، زبان عرفی

- نکته‌ی اول: اگرچه شارع به هدف داشتن گسترده‌ترین مخاطب، راحت‌ترین شیوه‌ی بیان را انتخاب کرده، اما این هدف مانع نشده است که در مواردی خاص، پیام‌های خاصی داشته باشد.
- شارع گاهی برای افراد و اقشار خاصی از پیام‌های مخصوصی بهره گرفته است. حروف مقطعه‌ی قرآن و بحث بطون از جمله‌ی این پیام‌ها است که مختصراً به توضیح آنها می‌پردازیم:

## زبان شارع، زبان عرفی

- یکی از مواردی که احتمالاً جزو پیام‌های خاص شارع ذکر می‌شود، حروف مقطعه‌ی قرآن است. برخی گفته‌اند: این حروف رموزی است که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به آنها پی می‌برند. اگر این احتمال درست باشد، وجود پیام‌های خاص را در لسان شارع ثابت می‌کند.

## زبان شارع، زبان عرفی

- بطون قرآن نیز از جمله بخش‌های اختصاصی پیام شارع است. ما روایاتی داریم که بر وجود بطن قرآن، افزون بر ظاهر آن، دلالت دارند. در برخی از آنها هفت بطن و در برخی دیگر هفتاد بطن برای قرآن ذکر شده است. البته گفته شده است که این عددها هیچ کدام دلالت بر حصر نمی‌کند و فقط تعدد بطون قرآن را می‌رساند.

## زبان شارع، زبان عرفی

- ظاهر همان چیزی است که از الفاظ و کلمات قرآن پیدا است و مخاطب به آن منتقل می‌شود و باطن آن چیزی است که نمی‌توان مستقیماً به آنها راه یافت.
- بطن یک آیه، بطن همان آیه است؛ یعنی بین ظاهر آیه و آن معنای باطنی یک ارتباط منطقی وجود دارد. اگر باطن، معنایی گسیخته از آیه داشته باشد، باطن آن آیه نخواهد بود و مطلب جداگانه‌ای است. باطن یک آیه در عین حال که با ظاهر آن مرتبط است، مدلول مطابقی یا التزامی آن به حساب نمی‌آید.

## زبان شارع، زبان عرفی

- بنابراین بطون یک آیه یا لازم بین به معنای اعم هستند یا اصلاً بین نیستند. همان طور که در منطق بیان شده است، مدالیل التزامی، لازم‌های بین بمعنی الاخص هستند که به محض تصور ملزوم، لازم به ذهن می‌آید، بدون این که نیاز به واسطه‌ای باشد.
- بنابراین بطون یک آیه یا لازم بین بمعنی الاعم هستند که در درک آنها هم لازم و هم ملزوم باید تصور شود، اگرچه حکم به ملازمت بدیهی است یا لازم غیر بین هستند که تصور لازم و ملزوم برای تصدیق کافی نیست و امر دیگری نیز باید واسطه قرار گیرد.

## زبان شارع، زبان عرفی

- دو مبنایی که تا کنون در بحث مبادی دلالتی مشترک بیان نمودیم و مبنای سومی که در آینده مطرح می‌کنیم، همگی در حوزه‌ی ظواهر سنت و قرآن است. همچنین تمامی مباحث فقه و اصول به خصوص بحث الفاظ، حول همین حوزه مطرح می‌شوند. بنابراین بحث بطون قرآن جزو پیام‌های اختصاصی شارع خواهد بود.

## زبان شارع، زبان عرفی

- به اعتقاد علامه طباطبائی، ظاهر و باطن قرآن غیر از تأویل آن است. برای توضیح این نظر از بین معانی مختلفی که برای تأویل ذکر شده است، به دو معنا اشاره می‌کنیم:



## زبان شارع، زبان عرفی

- ۱. در معنای اول تأویل در مقابل تفسیر قرار دارد. در این اصطلاح، تفسیر، بیان معنای ظاهری و تأویل، بیان معنای باطنی است. پس تفسیر قرآن، علم به ظواهر و تأویل قرآن، علم به بطون قرآن می باشد.

## زبان شارع، زبان عرفی

- ۲. تأویل قرآن عبارت است از حقایقی که قرآن از آنها نشأت می‌گیرد. لوح واقع، لوح محفوظ یا نفس الامر آیات، تأویل آیات است. یعنی مفاد آیات هر چه باشد، یک اول و اصل و سرچشمه‌ای دارد. آن سرچشمه تأویل قرآن است. این اصطلاح از تأویل، نه ظاهر است، نه باطن، زیرا از سنخ معانی نیست. تأویل در این صورت از سنخ واقع است و علم به آن حضوری و شهودی است، نه حصولی و مفهومی.

## زبان شارع، زبان عرفی

- علامه طباطبائی از بین معانی مختلف تأویل، در نهایت معنای دوم را می‌پذیرد که ذکر آن گذشت. بنا بر این نظر، ما سه چیز در مورد قرآن داریم: ۱. ظاهر، ۲. باطن، ۳. تأویل. ظاهر همان چیزی است که محل بحث ما است، باطن از سنخ معنا است و از بحث ما خارج است، و تأویل اصلاً از سنخ معنا نیست.

- ر.ک: علامه طباطبائی، المیزان، ج ۳، صص ۴۴ - ۴۹.

## زبان شارع، زبان عرفی

- البته نه تنها در مورد قرآن، بلکه در هر عبارتی ممکن است این سه وجود داشته باشد. مثلاً وقتی که می‌گوییم: آب در صد درجه می‌جوشد، ظاهر عبارت همانی است که از لفظ فهمیده می‌شود، باطن آن، عبارت از مفاهیمی است که به اطلاعات مخاطب از این لفظ باز می‌گردد، مثل مفهوم جوشیدن و تبدیل حالت مایع به گاز و تغییر ساختار مولکولی و... و تأویل آن، همان واقعیت خارجی است.

## زبان شارع، زبان عرفی

- در هر حال عقلایی بودن روش بیانی قرآن - که بحث فعلی ما را تشکیل می‌دهد و بحثی است در مورد ظواهر - وجود بطون قرآنی و تأویل را - به معنایی که مورد نظر علامه است - نفی نمی‌کند و با آنها منافاتی ندارد. شارع در بیان ظاهری خویش از روش عقلا استفاده کرده است، در عین حال کلامش حاوی معانی پنهانی است که از دسترس همگان خارج است و از واقعیتی برخوردار است که برای همه درک آن حقیقت ممکن نیست.

## زبان شارع، زبان عرفی

- نکته‌ی دوم: آیات قرآن به دو دسته‌ی محکم و متشابه تقسیم می‌شوند.
- همان طور که در اصول بیان می‌کنیم، متشابه، آیه‌ای است که دارای احتمالات متعدد باشد به گونه‌ای که ظهور یا نصی در معنای خاص نداشته باشد و هیچ یک از آن احتمالات به صورت خاص، ظاهر از آیه نباشد.
- در مقابل، محکم، آیه‌ای است که به صورت قطعی یا به صورت ظنی - که عقلاً معتبر می‌دانند - معنایش معلوم باشد. یعنی به ظواهر و نصوص قرآن، محکم می‌گویند.

## زبان شارع، زبان عرفی

- قطعاً آیات متشابه برای همه قابل فهم نیستند. پس اگر قایل باشیم که شارع از روش عقلایی استفاده نموده است، چرا در قرآن آیات متشابه وجود دارد؟ وجود آیات متشابه در قرآن چگونه با پذیرش عرفی بودن زبان دین قابل توجیه است؟

## زبان شارع، زبان عرفی

- علامه طباطبائی معتقد است تشابه امری نسبی است و ما اصلاً متشابه مطلق نداریم. یک آیه ممکن است در برخورد اولی متشابه باشد؛ اما وقتی به آیات دیگر مراجعه می‌کنیم، از حالت تشابه خارج می‌شود.

- محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۳، صص ۱۸ - ۱۹.